

زیارت از دیدگاه ائمه علیهم السلام

نویسنده:

دکتر عبدالهادی حسینی

مترجم:

عبدالله حیدری

عنوان کتاب:

زیارت از دیدگاه ائمه علیهم السلام

عنوان اصلی:

نویسنده:

دکتر عبدالهادی حسینی

مترجم:

عبدالله حیدری

موضوع:

بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری، ۱۴۳۷ قمری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaiislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- سخن مترجم..... ۳
- پیشگفتار..... ۸
- نهی از مسجد قرار دادن قبر..... ۱۰
- نهی از ساختن بناء بر روی قبر و ترغیب به خراب کردن آن ۱۲
- بلند ساختن قبر ۱۵
- کارهای حرامی که کنار قبرها انجام می گیرد:..... ۱۹
- انتظار نفع و ضرر ۱۹
- انتظار شفاعت و توسل ۲۱
- کمک خواستن از مرده ۲۲
- نذر کردن برای مرده ۲۴
- قسم خوردن به صاحب قبر ۲۶
- طواف به دور قبر ۲۷
- مخلوط بودن زن و مرد در زیارتگاهها ۲۸
- چند پرسش احتمالی و پاسخ آن ۲۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سخن مترجم

همچنانکه خواننده‌ی عزیز مستحضر است هدف از آفرینش این جهان پهناور اعم از آسمان، زمین، ستاره، خورشید، مهتاب، کهکشان‌ها، ابر، باد، آب، خاک، گیاه، درخت، میوه، انسان، فرشته، جن، شیاطین، بهشت و دوزخ همه این است که پروردگار بزرگ کائنات به یکتایی مورد ستایش و پرستش قرار گیرد.

ذات متعال او با اینکه از هر گونه مدح و ثنایی بی‌نیاز است همه را برای آزمایش در خدمت انسان قرار داده و انسان را مکلف به پرستش کرده است، بنابراین آنچه در این جهان از ما خواسته شده فقط پرستش ذات الله متعال نیست بلکه یکتا پرستی آن یگانه معبود کائنات است، لذا همه‌ی پیامبران خصوصاً سرور جهان هستی، رسول گرامی ﷺ، همواره تلاش کرده‌اند مردم را از توجه به غیر الله باز دارند و بسوی خدا متوجه کنند، بنابراین عجیب نیست که خداوند خطاب به شخص رسول الله ﷺ بفرماید: ﴿لَیْنُ أَشْرَکَتْ لَیْحَبَطَنَّ عَمَلُکَ وَتَکُونَنَّ مِنَ الْخٰسِرِیْنَ﴾ [الزمر: ۶۵]. «ای پیامبر اگر تو هم شرک بیآوری قطعاً عمل تو بر باد خواهد رفت و در آخرت از زیانکاران خواهی بود».

لذا رسول الله ﷺ هم همواره سعی داشته‌اند از تمام مظاهر شرک جلوگیری بعمل آورند، و یکی از بزرگ‌ترین مظاهر شرک افراط در اظهار محبت نسبت به قبور پیامبران و اولیاء، صالحان است، البته هر قبری ممکن است مورد محبت و توجه افراد ناآگاه قرار گیرد، اما علت این است که چون احساس محبت و ارادت نسبت به اینها بیشتر است، لذا احتمال خطرهم دربارۀ آنان قوی‌تر می‌باشد. چون انگیزه منع ساخت گنبد و بارگاه و ضریح، جلوگیری از خرافات و خدای نکرده شرک است، لذا چنین احتمالی به دلیل تقدس مقام و منزلت ایشان و محبت فوق العاده‌ای که مردم نسبت به اینها دارند، خیلی بیشتر است.

اصولاً قبر افراد عادی خیلی مورد توجه مردم قرار نمی‌گیرد به اندازه‌ای که قبر یک پیامبر و امام و امامزاده مورد توجه قرار می‌گیرد، بنابراین امروز در هر جایی که قبر یا مزاری محل رفت و آمد مردم و ارادتمندان متأسفانه جاهل قرار می‌گیرد یا منسوب به پیامبری است یا به امام و امامزاده‌ای و یا به شخص صالح و نیکو کاری.

قابل تذکر است که زیارت قبور، سنت رسول گرامی ﷺ است، ایشان فرمودند: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور إلا فزوروا فإنها تذكرو الآخرة»^(۱). «من شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم اکنون می‌گویم قبرها را زیارت کنید زیرا که انسان را به یاد آخرت می‌اندازد».

پس زیارت قبرها یک سنت نبوی است لازم است که هر انسان بویژه مؤمنان گاهی به قبرستان سر بزنند و زندگی پس از مرگشان را به یاد بیاورند کنند تا اینکه از خدا و آخرت غافل نمانند.

اما زیارت قبور آدابی دارد که در سنت صحیح ثبت شده است، اول اینکه دعای زیارت قبور را بخواند، «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ، نَسَأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلكُمْ الْعَافِيَةَ»^(۱). «سلام بر شما باد ای مؤمنان آرמידه، شما از ما سبقت گرفتید ما هم إنشاءالله بزودی به شما ملحق خواهیم شد».

از دیگر آداب زیارت قبور این است که روی قبر ننشیند، قبر را لگدمال نکند، در قبرستان نماز نخواند، از خداوند غافل نشود، از مردگان کمک و نیاز نخواهد و غیره.

با بررسی تاریخ شرک در قرآن می بینیم که در زمان نوح علیه السلام خداوند جهان را با طوفان از هرگونه کفر و شرک و خرافات پاک کرد، اما ظهور مجدد شرک بوسیله ارادتمندان جاهل به شخصیت های صالح و محبوب و محترم صورت گرفت و شیطان از نام پاک آنان سوء استفاده کرد و توجه مردم را به سوی آنان جلب نمود و در ابتدا فقط محبت و ارادت مطرح بود و نه چیزی بیش از این، کم کم چنین وانمود کرد که برای اینکه این افراد صالح فراموش نشوند بهتر است برایشان مجسمه هایی بسازیم تا با دیدن این مجسمه ها به یاد آنان بیفتیم، همین جهل مفرط بود که کم کم راه را برای پرستش و کمک خواستن و شفیع و وسیله قرار دادن آنان، هموار کرد.

این یک واقعیت است که در طول تاریخ هرگاه شیطان خواسته به مقصود اصلی اش برسد، از نام مقدس بزرگان استفاده کرده است. عیسی علیه السلام و عزیر علیه السلام که تقصیری نداشتند، یا عیسی پرستان و عزیر پرستان که دشمن آنها نبودند، بهانه آن ها دوستی و محبت بود. اما افراط و تفریط همواره انسان را هلاک می کند، دوستی بیش از حد، انسان های مؤمن و بسیار

مخلص و ارادتمند را به ورطهء هلاکت می‌کشد و در هر عصر و زمانی که شما ملاحظه کنید می‌بینید بزرگ‌ترین سبب گمراهی مردم، شخصیت‌های مورد احترام آنان بوده‌اند.

نه از راه دشمنی بلکه به بهانهء دوستی و محبت، مگر همین بت‌هایی که مشرکین مکه داشتند چه بود؟ همهء آنان عبارت از مجسمه‌های افراد صالح و نیکو کاری بودند که تمام جامعه نسبت به آنان محبت و ارادت داشتند، لذا مشرکین نمی‌گفتند: ما اینها را می‌پرستیم بلکه آنها را وسیلهء نزدیکی به خدا می‌دانستند، همین منطقی که متأسفانه امروز ما داریم. نعوذ بالله خدای قادر و توانا را به انسان عاجز و ناتوانی تشبیه می‌کنیم که هیچ قدرتی ندارد می‌گوییم همچنانکه شخصی برای رسیدن به یک رئیس جمهور از افراد نزدیک به او کمک می‌گیرد، ما هم که گنهکار و روسیاه هستیم و پیش خدا آبرو و اعتباری نداریم برای رسیدن به خدا باید از دوستانش کمک بخواهیم؛ چون اینها افراد محبوب در نزد خدا هستند و می‌توانند مشکل ما را به خدا بگویند! چه منطق جاهلانهای! مگر خدا نعوذ بالله مثل رئیس جمهور یا هر مخلوق دیگری عاجز است؟! خداوند عالم الغیب است هر پنهان و آشکار را می‌داند، و از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است. خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ [ق: ۱۶].

«و ما از رگ گردن به او (انسان) نزدیک‌تریم.»

﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر: ۶۰].

«مرا بخوانید تا خواسته‌ی شما را اجابت کنم.»

ما در هر رکعت نماز با خدا عهد می‌بندیم که:

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحة: ۵].

«خدایا تنها ترا می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم.»

ما چگونه خدا را به یکتایی می‌پرستیم و غیر او را پرستش نمی‌کنیم، ما چگونه فقط از او کمک می‌خواهیم و از غیر او کمک نمی‌طلبیم، که نمی‌توانیم مشکلات خود را خودمان با او درمیان بگذاریم، عجب جهلی دامن ما را گرفته است! چه وقت می‌خواهیم بیدار شویم؟ چه وقت می‌خواهیم بفهمیم؟ چه وقت می‌خواهیم از این ذلت و خواری نجات بیابیم؟ تا چه وقت می‌خواهیم همچنان مانع نزول رحمت و نصرت خدا باشیم؟! خداوند که با ما شوخی ندارد، دین خدا که شوخی پذیر نیست، بهشت و دوزخ که افسانه نیست، مرگ و حساب و کتاب که توهم و خیال نیست.

اگر ما به همه‌ی این‌ها ایمان داریم، قرآن را کتاب آسمانی و دستور زندگی می‌دانیم، و خداوند را یگانه معبود و کارساز و مشکل‌گشا می‌دانیم پس چرا خود را از چنگ این خرافات نمی‌رهانیم؟ چرا آنگونه که رسول الله صلی الله علیه و آله و صحابه اخیار و اهل بیت اطهارش علیهم السلام خدا را می‌پرستیدند، خدا را نمی‌پرستیم؟ دین یکی است، کتاب یکی است، آیات و نصوص و دلائل یکی است، پس چرا حاضر نمی‌شویم دست از این خرافات برداریم و مانند صحابه و اهل بیت به ریسمان خدا چنگ بزنیم و دین را همچنان که آنان فهمیده‌اند بفهمیم! پس بیاییم اسلام را از این بدنای نجات بخشیم و لکه‌های ننگی را که بر دامن پاک آن مالیده ایم شستشو دهیم تا دشمنان بهانه پیدا نکنند و اسلام را به باد تمسخر نگیرند. شما تصور کنید یک دانشمند غربی بیاید و فلان ضریح و بارگاه و مزار فلان امام و امامزاده را ببیند، یا صحنه‌های تکان دهنده‌ی عزاداری را مشاهده کند چه حالتی به او دست خواهد داد، فرض کنید کنار یکی از ما نشسته باشد و راز و نیاز ما را با فلان امام و امامزاده گوش کند چه تصویری خواهد داشت، فرض کنید خواسته‌های ما را از فلان امام و بزرگ بشنود چه برداشتی از اسلام خواهد داشت؟ پس بیاییم و اسلام را آنچنانکه هست بشناسیم و خرافات را از دامن پاک آن بزدا کنیم. إن شاء الله. پیروز باشید.

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين
وأصحابه المنتجبين وبعد:

خدمت همه دوستداران و پیروان صادق اهل بیت علیهم السلام سلام فراوان
تقدیم می‌داریم.

همچنانکه می‌دانید از امامان اهل بیت علیهم السلام روایات زیادی نقل شده که
بعضی صحیح و بعضی هم به دروغ از زبان آنان بافته شده است.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که ارتباط مستقیم با علمکرد هر مسلمان و
عقیده او دارد و هر صبح و شام به آن محتاج است دعا می‌باشد، یعنی
خداوند سبحان را در هر مشکل و نیازی خواندن، و به مردگان نیکویی
کردن، (یعنی به زیارت آنان رفتن و برایشان دعا نمودن و از طرف آنان
صدقه دادن و غیره)، لذا بر آن شدم که مطالبی را از ائمه علیهم السلام در این زمینه
از کتب معتمد و معتبر حدیث جمع‌آوری کنم، روایاتی که با قرآن کریم و
سیرت پاک ائمه هماهنگی داشته باشد و مخالف آن‌ها نباشد، سعی کردم
خیلی مختصر و کوتاه باشد تا باعث ملال خاطر و خستگی عزیزان نگردد،
اگر واقعیت زیارت قبور را بررسی کنیم می‌بینیم که متأسفانه از دو حال
خالی نیست، یا افراط و یا تفریط، عده‌ای اصلاً رغبتی به زیارت قبور که
سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است و انسان را به یاد سختی و تاریکی قبر و هول آخرت

می‌اندازد ندارند و عده‌ای دیگر به قدری غلو و افراط می‌کنند که چه بسا منجر به - نعوذ بالله - شرک و گناه کبیره می‌گردد.

پس اینک مجموعه‌ای را از روایات اهل بیت علیهم السلام که دلالت صریح بر نهی از ساختن قبور، و جشن گرفتن بر گرد آنان دارد خدمت شما تقدیم می‌داریم به امید آنکه مورد قبول خداوند متعال و مورد پسند شما سروران عزیز قرار گیرد. و باشد که این مواعظ دل‌های پژمرده ما را شاداب گردانیده و همه را بسوی خیر و سعادت و رستگاری هدایت کند. آمین.

نهی از مسجد قرار دادن قبر

عموماً از روایاتی که در این زمینه آمده، سه موضوع استنباط می‌شود، و این سه محور همواره مورد نهی ائمه علیهم‌السلام بوده است.

اول: نماز خواندن بر قبر، یعنی سجده بر آن.

دوم: اینکه قبر را قبله قرار داده و به سوی آن سجده و دعا کنند.

سوم: ساختن مسجد بر روی قبر و نماز خواندن در آن.

حدیث اول: از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت است که: «لاتتخذوا قبري قبلة ولا مسجداً، فإنَّ الله لعن اليهود حيث اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد» (۱). «قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید زیرا خداوند یهود را به علت اینکه آنان قبرهای پیامبرانشان را مسجد قرار دادند لعنت کرد».

حدیث دوم: از زراره روایت است که خدمت امام محمد باقر علیه‌السلام عرض کردم راجع به نماز خواندن در جاه‌های خالی در قبرستان چه می‌فرمایید؟ فرمود: در جاه‌های خالی نماز بخوان بشرطی که قبری را قبله قرار ندهی، یعنی جلو نمازت قبری نباشد، زیرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از این کار نهی کرده و فرموده‌اند: «لا تتخذوا قبري قبلة ولا مسجداً، فإنَّ الله تعالى لعن الذين

اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد»^(۱). «قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید که خداوند متعال کسانی که قبرهای پیامبران را مسجد قرار داده اند لعنت کرده است».

حدیث سوم: از سماعة ابن مهران روایت است که گفت: درباره زیارت قبور و ساختن مسجد بر آن از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم ایشان فرمود: زیارت قبور اشکالی ندارد، اما در کنار قبر مسجد ساخته نشود^(۲).

حدیث چهارم: از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «در ده جا نماز خواندن جایز نیست: گل، آب، حمام، قبرستان، راه، خانه مورچه، اصطبل شتر، مجرای سیل، شوره زار، برف»^(۳).

صدوق بعد از ذکر این روایت، می نویسد: هرگز جایز نیست که قبر قبله یا مسجد قرار داده شود. نماز در صورتی در جاهای خالی قبرستان جایز است که قبر در طرف قبله قرار نگیرد مستحب این است که بین نمازگزار و قبر از هر طرف ده گز (پنج متر) فاصله باشد.

حدیث پنجم: از عمار ساباطی روایت است که از امام صادق علیه السلام پرسیدم درباره‌ی کسی که در قبرستان نماز می خواند چه می فرمایید؟ فرمود: «لا يجوز ذلك إلا أن يجعل بينه وبين القبور إذا صلى عشرة أذرع من بين يديه، وعشرة أذرع من خلفه، وعشرة أذرع عن يمينه، وعشرة أذرع عن يساره، ثم يصلي إن شاء»^(۴). «جایز نیست مگر اینکه هنگام نماز خواندن از هر طرف ده گز (پنج متر) بین او و قبر فاصله وجود داشته باشد، ده گز جلو، ده گز عقب، ده گز

۱- علل الشرائع ص ۳۵۸.

۲- فروع الکافی ۲/۲۲۸، من لا یحضره الفقه ۸۲۱، وسائل الشیعة ۲/۸۸۷.

۳- فروع الکافی ۳/۳۹۰، من لا یحضره الفقیه ۱/۱۷۱.

۴- فروع الکافی ۳/۳۹۰، الاستبصار ۱/۳۹۷.

سمت راست و ده گز سمت چپ، آنگاه اگر خواست می‌تواند نماز بخواند». ممکن است پرسشی مطرح شود که این روایت با روایت دیگری که از امام رضا علیه السلام نقل شده تناقض دارد که فرمود: «لا بأس بالصلاة إلى القبر ما لم يُتخذ القبر قبلة»^(۱). «اگر قبر را قبله قرار ندهد اشکالی ندارد که در قبرستان نماز بخواند».

طوسی چنین پاسخ می‌دهد: وجه جمع بین دو روایت این است که حکم جواز در صورتی است که بین او و قبرستان مانعی وجود داشته باشد، مثلاً دیواری قرار داشته باشد و اما اگر دیوار یا مانع دیگری نباشد باید از هر طرف ده گز فاصله داشته باشد^(۲).

نهی از ساختن بناء بر روی قبر و ترغیب به خراب کردن آن

۱- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كلما جعل على القبر من غير تراب القبر فهو ثقل على الميت». یعنی: «هر چیزی که غیر از خاک خود قبر بر روی قبر گذاشته و یا ریخته شود بر مرده سنگینی می‌کند»^(۳).

۲- از امام صادق علیه السلام روایت است که رسول الله صلى الله عليه وآله فرموده‌اند: «نهی أنه يُزاد على القبر تراب لم يخرج منه»^(۴). «نهی فرمودند جز خاکی که از خود قبر بیرون آورده شده خاک دیگری بر آن ریخته شود».

۱- استبصار ۳۹۷/۱ و غیره.

۲- استبصار ۳۹۷/۱.

۳- من لایحضره الفقیه ۱/۱۳۵.

۴- فروع الکافی ۲۰۲/۳، وسائل الشیعة ۲/۸۶۴.

۳- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «من جدد قبراً، أو مثل مثلاً فقد خرج من الإسلام»^(۱). «کسی که قبری را باز سازی کند یا مثالی بسازد یقیناً و بدون شک از اسلام خارج شده است».

۴- از امام صادق علیه السلام روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بعثنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم إلى المدينة فقال: لا تدع صورة إلا محوتها، ولا قبراً إلا سويته، ولا كلباً إلا قتلته»^(۲). «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا به مدینه فرستاد و فرمود: هر عکسی را دیدی نابود کن، و هر قبری را دیدی هموارش کن، و هر سگی را دیدی بکش».

۵- از امام صادق علیه السلام روایت است که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بعثني رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم في هدم القبور وكسر الصور»^(۳). «رسول اله صلی الله علیه و آله و سلم مرا فرستادند تا اینکه قبرها را هموار کنم و بتها را بشکنم».

۶- از علی بن جعفر روایت است که از امام موسی کاظم پرسیدم: آیا ساختن قبر و نشستن بر آن جایز است؟ فرمود: «لا يصلح البناء عليه ولا الجلوس ولا تخصيصه ولا تطيينه»^(۴). «ساختن قبر و نشستن بر آن و گچ کردن و گل کردن آن جایز نیست».

۷- از امام صادق علیه السلام روایت است که گفت: «نهى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أن يُصلى على قبر أو يُقعد عليه أو يُبنى عليه أو يُتكأ عليه»^(۵). «رسول

۱- من لا يحضره الفقيه ۱/۱۳۵، وسائل الشيعة ۲/۸۶۸.

۲- وسائل الشيعة ۲/۸۶۹، ۳/۶۲.

۳- وسائل الشيعة ۲/۸۷۰.

۴- الاستبصار ۱/۲۱۷، وسائل الشيعة ۲/۸۶۹.

۵- الاستبصار ۱/۴۸۲، وسائل الشيعة ۲/۷۶۹، و ۸۹۵.

الله ﷻ از نماز خواندن بر روی قبر، و نشستن بر آن، و ساختن بنا بر روی آن، و تکیه زدن به آن را منع فرمودند».

۸- از امام صادق علیه السلام روایت است که می‌فرمود: «لما قبض أمير المؤمنين؛ أخرجه الحسن والحسين ورجلان آخران حتي إذا خرجوا من الكوفة تركوها عن أيانهم ثم أخذوا الجبابة حتى مروا به إلي الغري فدفنوه وسووا قبره فانصرفوا»^(۱). «هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام فوت نمود حسن و حسین و دو نفر دیگر ایشان را حمل کردند تا اینکه از کوفه بیرون رفتند.... و آنگاه ایشان را دفن کردند و قبرش را با زمین هموار نمودند و رفتند».

شیخ طائفه ابوجعفر طوسی می‌نویسد: دفن کردن مرده در هیچ مسجدی جایز نیست. همچنین می‌نویسد: گچ کردن قبر، و در سایه قرار دادن قبر، و قیام کردن در کنار قبر، و بازسازی آن بعد از خراب شدنش، مکروه است. البته اگر در هنگام دفن، خاک قبر مرتب شود اشکالی ندارد^(۲). و عمادالدین بن علی طوسی می‌نویسد: نوزده چیز مکروه است از جمله: گچ کردن قبر، و سایه قرار دادن قبر، و مجاورت قبر، و بازسازی آن بعد از خراب شدنش^(۳).

۹- از امام صادق علیه السلام روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله از اینکه بر قبر ایشان نماز خوانده شود، یا نشسته شود، یا باز سازی شود، منع فرموده‌اند^(۴).

۱- أصول الكافي ۱/۴۵۸ - كتاب الحجة - باب مولد أمير المؤمنين صلوات الله عليه رقم ۱۱.

۲- النهاية ص ۴۴.

۳- الوسيلة إلى نيل الفضيلة ص ۶۲ چاپخانه الآداب نجف.

۴- وسائل الشيعة ۳/۴۵۴.

بلند ساختن قبر

از خلال روایات وارده در کتب تشیع آنچه بر می آید این است که قبر فقط از چهار انگشت تا یک وجب بلند می شود، که از چهار انگشت کمتر، و از یک وجب بیشتر جایز نیست.

روشن است که اگر بلند ساختن قبر طوری که در بعضی جوامع رایج است درست بود، نیازی نبود که امامان از بلند کردن آن منع کنند، یا برای آن مقداری مشخص کنند، ما در اینجا چند روایت بر می گزینیم:

روایت اول: از امام باقر علیه السلام روایت است که گفت: رسول گرامی صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «یا علی، ادفنی فی هذا المكان وارفع قبري من الأرض أربع أصابع، ورش عليه الماء»^(۱). «ای علی مرا در اینجا دفن کن، و قبرم را چهار انگشت از زمین بلند کن، آنگاه بر آن آب پاش.»

روایت دوم: از امام جعفر صادق روایت است که ایشان از پدرش امام باقر نقل می کند: «أن قبر رسول الله صلی الله علیه و آله رفع شبراً من الأرض، وأن النبي صلی الله علیه و آله أمر برش القبور»^(۲). «قبر رسول الله صلی الله علیه و آله یک وجب از زمین بلند شد، و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور دادند که پس از دفن مرده بر قبر آب پاشیده شود.»

روایت سوم: از امام صادق و ایشان از پدرش و پدرش از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت می کند که قبر پیامبر صلی الله علیه و آله یک وجب و چهار انگشت از زمین بلند شد و بر آن آب پاشیده شد، و فرمود: «والسنة أن یرش علی القبر الماء»^(۳).

۱- أصول الكافي ۴۵۰/۱، وسائل الشيعة ۸۵۶/۲.

۲- وسائل الشيعة ۸۵۷/۲، علل الشرائع ص ۳۰۷.

۳- وسائل الشيعة ۸۵۸/۲.

«سنت این است که بر قبر آب پاشیده شود».

روایت چهارم: از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «إِنَّ أَبِي قَالَ لِي ذَاتَ يَوْمٍ فِي مَرَضِهِ: إِذَا أَنَا مِتُّ فَغَسِّلْنِي وَكَفِّنِي وَارْفَعْ قَبْرِي أَرْبَعَ أَصَابِعَ وَرَشَّهُ بِالْمَاءِ»^(۱). «هنگامی که پدرم مریض بود روزی به من فرمود: هرگاه مردم مرا بشوید و کفن کنید قبرم را چهار انگشت از زمین بلند کن و آنگاه بر آن آب پاش».

روایت پنجم: امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي أَنْ أَرْفَعَ الْقَبْرَ عَنِ الْأَرْضِ أَرْبَعَ أَصَابِعَ مَفْرَجَاتٍ، وَذَكَرَ أَنَّ رَشَّ الْقَبْرَ بِالْمَاءِ حَسَنٌ»^(۲). «پدرم به من دستور داده است که قبرش را چهار انگشت جدا از یکدیگر از زمین بلند کنم، و فرمود که آب پاشیدن بر قبر خوب است».

روایت ششم: همچنین از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي أَنْ أَرْفَعَ الْقَبْرَ عَنِ الْأَرْضِ أَرْبَعَ أَصَابِعَ مَفْرَجَاتٍ، وَذَكَرَ أَنَّ رَشَّ الْقَبْرِ بِالْمَاءِ حَسَنٌ، قَالَ: تَوْضُأً إِذَا أَدْخَلْتَ الْمِيتَ الْقَبْرَ»^(۳). «پدرم به من دستور داد که ارتفاع قبر ایشان را از زمین چهار انگشت باز قرار دهم و فرمودند: که پاشیدن آب بر قبر خوب است و فرمود: پس از اینکه جنازه را داخل قبر گذاشتی وضو بگیر».

روایت هفتم: از محمد بن مسلم روایت است که گفت: از یکی از دو امام (باقر یا صادق) در باره میت پرسیدم فرمود: «تسلم من قبل الرجلين وتلرق

۱- فروع کافی ۲۰۰/۳، وسائل الشیعة ۸۵۷/۲.

۲- فروع کافی ۱۴۰/۳، وسائل الشیعة ۸۵۷/۲.

۳- وسائل الشیعة ۸۵۷/۲.

القبر بالأرض إلا قدر أربع أصابع مفرجات: تربع وترفع قبره»^(۱). «از طرف پاهای بگیر و آنرا داخل قبر بگذار، و جز مقدار چهار انگشت باز، قبر را با زمین هموار کن».

روایت هشتم: از طریق محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت است که گفت: «یدعی للمیت حین یدخل حفرته ویرفع القبر فوق الأرض أربع أصابع»^(۲). «برای میت دعا شود و قبر به اندازه‌ی چهار انگشت از زمین بلند شود».

روایت نهم: از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «یستحب أن یدخل معه فی قبره جریده رطبة، ویرفع قبره من الأرض قدر أربع أصابع مضمومة، وینضح علیه الماء ویخلی عنه»^(۳). «مستحب است که با او شاخه‌ی تری در قبر گذاشته شود و قبرش به اندازه‌ی چهار انگشت بسته، از زمین بلند شود، آنگاه بر او آب پاشیده شود، سپس به حال خودش رها شود».

محمد آخوندی شارح کافی در شرح جمله «یخلی عنه» می‌نویسد: «أی لا یعمل علیه شیء آخر من حص واجر وبناء ولا یتوقف عنده بل ینصرف عنه»^(۴). «هیچ چیز دیگری بر او گذاشته و ساخته نشود، نه گچ، نه آجر، و نه دیوار، و کنار قبر نایستند بلکه بلافاصله برگردند».

سپس اضافه می‌کند روایات دیگری وجود دارد که هر کدام از این امور را تأیید می‌کند.

۱- فروع کافی ۱۹۵/۳، وسائل الشیعة ۸۵/۲.

۲- فروع الکافی ۲۰۱/۳، وسائل الشیعة ۸۵۶/۲.

۳- فروع الکافی ۱۹۹/۳، وسائل الشیعة ۸۵۶/۲.

۴- حاشیه ۳ فروع کافی ۳۱۹۹.

روایت دهم: در روایت طولانی که در آن وفات موسی بن جعفر علیه السلام ذکر شده آمده است: «فإذا حملت إلى المقبرة المعروفة بمقابر قریش فألحدوني بها ولا ترفعوا قبری فوق أربع أصابع مفرجات»^(۱). «هنگامی که جنازه‌ی مرا بر دوش گرفتید و به قبرستان معروف قریش بردید در قبری دفنم کنید که لحد داشته باشد و قبرم را چهار انگشت باز، بیشتر از زمین بلند نکنید».

روایت یازدهم: محمد بن جمال الدین عاملی معروف به شهید اول می‌نویسد: «ورفع القبر عن وجه الأرض بمقدار أربع أصابع مفرجات إلى شبر لا أزيد ليعرف فيزار فيحترم»^(۲). «قبر فقط باید به اندازه چهار انگشت باز تا یک وجب بلند شود از ترس اینکه مبدا شناخته شود و مورد رفت و آمد و احترام (خلاف شرع) قرار گیرد».

روایت دوازدهم: شیخ طائفه ابو جعفر طوسی می‌نویسد: «فإذا أراد الخروج من القبر فليخرج من قبل رجله ثم يطم القبر ويرفع من الأرض مقدار أربع أصابع ولا يطرح فيه من غير ترابه»^(۳). «کسی که جنازه را در قبر می‌گذارد هنگامی که می‌خواهد از قبر بیرون بیاید از طرف پا بیرون بیاید، سپس قبر پر شود و به اندازه‌ی چهار انگشت از زمین بلند شود، و غیر از خاک خود قبر چیز دیگری بر آن ریخته یا گذاشته نشود».

۱- عیون أخبار الرضا ۸۴/۱، وسائل الشیعة ۸۵۸/۲.

۲- اللعة الدمشقية ۴۱۰/۱.

۳- النهاية ص ۳۹.

کارهای حرامی که کنار قبرها انجام می‌گیرد:

متأسفانه محرمات زیادی در کنار قبرها انجام می‌گیرد که قرآن و سنت از آن باز داشته‌اند از جمله:

انتظار نفع و ضرر

اعتقاد داشتن به اینکه شخص مرده نفع و ضرر می‌رساند در حالیکه نفع رساننده و ضرر رساننده فقط ذات قادر متعال است. چنانکه می‌فرماید:

﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ دُونِهِ ءِالِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً وَلَا نُشُورًا﴾ [الفرقان: ۳].

«(مشرکان) سوای خدا، معبودهائی را برگرفته‌اند (و به پرستش اصنام و کواکب و اشخاصی پرداخته‌اند) که چیزی را نمی‌آفرینند و خودشان آفریده‌هائی بیش نیستند، و مالک سود و زیانی برای خود نبوده، و بر مرگ و زندگی و رستاخیز اختیار و توانی ندارند».

و همچنین می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾ [النحل: ۲۰-۲۱].

«معبودهایی را که آنها غیر از خدا می‌خوانند نه تنها چیزی را خلق نمی‌کنند،

بلکه خودشان مخلوقند. آنها مردگانی هستند که هرگز استعداد حیات ندارند، و این بت‌ها اصلاً نمی‌دانند در چه زمانی مبعوث خواهند شد». پس چرا باید عاقل چیزهائی را بپرستد که از فرا رسیدن قیامت بی‌خبرند و سود و زبانی نمی‌رسانند!

و می‌فرماید:

﴿قُلْ اَدْعُوا الَّذِيْنَ رَعَمْتُمْ مِّنْ دُوْنِهٖۙ فَلَا يَمْلِكُوْنَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيْلًا ﴿٥٦﴾ اُوْلٰٓئِكَ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ يَبْتَعُوْنَ اِلٰى رَبِّهِمْ اَلْوَسِيْلَةَ اَتَيْهُمْ اَقْرَبُ وَيَرْجُوْنَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُوْنَ عَذَابَهُۥۗ اِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُوْرًا ﴿٥٧﴾﴾ [الإسراء: ٥٦-٥٧].

«ای پیغمبر! به مشرکان) بگو: معبوهایی را که غیر از خدا شایسته‌ی پرستش می‌پندارید (به هنگام بلا، به کمک) بخوانید، اما (خواهید دید که) نه توانایی دفع زیان و رفع بلا را از شما دارند، و نه می‌توانند آن را دگرگون سازند (و ناخوشیها را به خوشی تبدیل کنند و یا اینکه از اندوه دردها بکاهند). آن کسانی را که به فریاد می‌خوانند آنان را که از همه مقربترند (به درگاه خداوند، همچون عیسی و عذیر و فرشتگان) برای تقرب به پروردگارشان به آن‌ها توسل می‌شوند (که طاعات و عبادات است) و به رحمت خدا امیدوار و از عذاب او هراسانند».

وامیر المؤمنین علیه السلام در باره‌ی مردگان می‌فرماید: «فهم جيرة لا يجيئون داعياً ولا يمنعون ضيماً ولا يبألون مندبة»^(۱). «پس ایشان همسایگانی بی‌زبان‌اند، نه خواننده را پاسخ می‌دهند، نه ستمی را باز می‌دارند، و نه به نوحه‌گری توجه می‌کنند».

همچنین امیر المؤمنین علیه السلام در وصف مردگان می‌فرماید: «لا فی حسنة یزیدون ولا من سیئة یتعتبون»^(۱). «نه بر کارهای نیک در چیزی افزایند، و نه عذری توانند خواست از کار زشت و ناخوشایند».

انتظار شفاعت و توسل

۲ - صاحبان قبر را شفیع و واسطه قرار می‌دهند و گویا آنان او را به خداوند نزدیک می‌کنند، در حالیکه خداوند متعال در قرآن کریم به نقل از مشرکین این عمل زشت را مذمت نموده است:

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳].

«هان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای خدا است کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را برمی‌گزینند و بدانان تقرب و توسل می‌جویند، می‌گویند: ما آنانرا پرستش نمی‌کنیم مگر بدان خاطرکه ما را به خداوند نزدیک گردانند».

و در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [یونس: ۱۸].

«و به جای خداوند چیزی را می‌پرستند که به آنان زیانی نمی‌رساند و سودی به آنان نمی‌بخشد و می‌گویند: اینان در نزد خداوند شفیعان ما هستند».

و امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به امام حسن علیه السلام فرمود: «واعلم أنَّ الذي بيده خزائن السموات والأرض قد أذن لك في الدعاء وتكفل لك الإجابة وأمرک أن تسأله ليعطیک، وتسترحمه ليرحمک، ولم يجعل بینک وبينه من یحجبه عنک، ولم یلجئک إلى من یشفع لک إلیه»^(۱). «و بدان! کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین در دست اوست تو را در دعا رخصت داده و پذیرفتن دعایت را بر عهده گرفته است، و به تو گفته است «که از من بخواه تا به تو بدهم، و از او بطلب تا تو را بیمارزد. و میان تو و خود کسی را نگمارده تا تو را از وی باز دارد، و از کسی ناگزیرت نکرده که نزد او برایت میانجی گری آرد»^(۲).

کمک خواستن از مرده

خواندن صاحبان قبر و کمک خواستن از آنان به نص قرآن کریم شرک است، چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ

الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشْرِكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾ [فاطر: ۱۴].

«اگر آنها را (برای حل مشکلات و رفع گرفتاری‌های خود) به فریاد بخوانید، صدای شما را نمی‌شنوند، و بفرض اگر هم بشنوند، توانائی پاسخگوئی به شما را ندارند، و (گذشته از این) در روز قیامت انبازگری و شرک ورزی‌دن شما را رد می‌کنند (و می‌گویند: شما ما را پرستش نکرده اید و بی خود می‌گوئید). و هیچ کسی همچون (خداوند) آگاه (از احوال آخرت، به گونه قطع و یقین) تو را از چنین مطالبی با خبر نمی‌سازد».

و می‌فرماید:

۱- نهج البلاغة نامه: ۳۱.

۲- ترجمه از دکتر جعفر شهیدی.

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ﴿٥﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾﴾ [الأحقاف: ۵-۶].

«چه کسی گمراه‌تر است از آنها که موجوداتی غیر از خدا را پرستش می‌کنند که اگر تا قیامت هم آنان را بخوانند پاسخ شان نمی‌گویند؟ و از دعا و ندای آن‌ها غافلند! و هنگامی که مردم مشرک در قیامت محشور می‌شوند معبودهای آن‌ها خواهند بود، حتی عبادت آنها را انکار می‌کنند».

و می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾﴾ [الجن: ۱۸].

«مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید».

و امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «فسألوا الله به وتوجهوا إليه بحبه، ولا تسألوا به بخلقه، إنه ما توجه إلى الله بمثله»^(۱). «پس از خدا بخواهید به وسیلت قرآن، و بدان روی آرید به دوستی آن، و به قرآن خیری مخواهید از آفریدگان، که بندگان روی به خدا نکردند با وسیلتی مانند قرآن».

همچنین امیر المؤمنین علیه السلام در وصیتش به پسرش امام حسن می‌فرماید: «وَأَلْحِي نَفْسَكَ فِي أُمُورِكَ كُلِّهَا إِلَى إِلَهِكَ فَإِنَّكَ تُلْجِئُهَا إِلَى كَهْفِ حَرِيْزٍ وَمَنَاعِ عَزِيْزٍ. وَأَخْلِصْ فِي الْمَسْأَلَةِ لِرَبِّكَ فَإِنَّ بِيَدِهِ الْعَطَاءَ وَالْحَرَمَانَ»^(۲). «در همه کارها نفس خود را به پناه پروردگارت متوجه کن، که به پناهگاهی استوار، و نگاهبانی پایدار روی آورده ای، و آنچه می‌خواهی تنها از پروردگارت بخواه،

۱- نهج البلاغة خطبة ۱۷۶.

۲- نهج البلاغة نامه ۳۱.

که به دست اوست بخشیدن و محروم نمودن».

و از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود: خداوند به این دلیل ابراهیم علیه السلام را خلیل خودش برگزید که او غیر از خدا به کسی روی نیاورده و غیر از ذات مقدس او از هیچ کسی چیزی نخواست^(۱).

ابراهیم بن محمد همدانی می‌گوید: خدمت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم خداوند فرعون را چرا غرق کرد در حالیکه او ایمان آورد و توحید را پذیرفت؟ فرمود: او هنگامی تظاهر به ایمان کرد که دیگر از همه چیز ناامید شده بود و چنین ایمانی پذیرفته نمی‌شود سپس فرمود: علت مهم دیگری هم دارد، و آن اینکه در آن شرایط دشوار که در آستانه غرق شدن قرار داشت به جای اینکه از خداوند کمک بخواهد از موسی علیه السلام کمک خواست و طبعاً موسی نمی‌توانست به او کمک کند؛ اینجا بود که خداوند به موسی علیه السلام وحی فرمود که ای موسی! تو به این دلیل به فرعون کمک نکردی! که او را تو نیافریده‌ای؛ لذا چنین توانایی نداشتی، اگر او از من کمک می‌خواست، حتماً به او کمک می‌کردم^(۲).

نذر کردن برای مرده

نذر کردن برای قبر و صاحبان قبر و ذبح کردن حیوان در کنار آن از اعمال ناشایست و محرماتی است که به تعبیر قرآن کریم «أهل لغير الله» محسوب می‌شود، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَحَلْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهَلَ بِهِ لِعَیْرِ اللَّهِ فَمَنْ أَضْطَرَّ غَیْرَ بَآغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ

۱- علل الشرائع ص ۳۴، عیون أخبار الرضا ۷۵/۲.

۲- علل الشرائع ص ۵۹، عیون أخبار ارضا ۷۶/۲.

رَحِيمٌ ﴿۱۷۳﴾ [البقرة: ۱۷۳].

«خداوند تنها گوشت مردار، خون، گوشت خوک، و گوشت هر حیوانی را که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن گفته شود تحریم کرده است، ولی کسی که مجبور شود (برای نجات جان خویش از مرگ) از آنها بخورد گناهی بر او نیست، به شرط این که ستمگر و متجاوز نباشد، خدا غفور و رحیم است.»

و می‌فرماید:

﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۱۳۶﴾ [الأنعام: ۱۳۶].

«کفار مکه و سایر مشرکان سهمی از زراعت و چهارپایان خود را برای خدا، و سهمی نیز برای بت‌ها قرار می‌دادند، و می‌گفتند: این قسمت مال خداست و این هم مال شرکای ما، یعنی بت‌هاست. سهمی را که برای بت‌ها قرار داد بودند هرگز به خدا نمی‌رسید، و اما سهمی را که برای خدا قرار داده بودند به بت‌ها می‌رسید، چه بد حکم می‌کنند.»

از محمد بن سنان روایت است که امام رضا در پاسخ مسائلی که از ایشان پرسیده بود نوشت: «آنچه نام غیر خدا بر آن گفته شود حرام است، زیرا خداوند بر بندگانش واجب گردانیده است که به یگانگی او اقرار و اعتراف کنند و هرگاه می‌خواهند حیوان حلال گوشتی را سر ببرند فقط نام او را در هنگام ذبح یاد کنند؛ تا اینکه بین آنچه برای خدا ذبح می‌شود و آنچه برای پرستش بت‌ها و شیاطین تقدیم می‌گردد، فرقی وجود داشته باشد، زیرا یاد کردن نام الله عزوجل اقرار به توحید و ربوبیت پروردگار است و اما آنچه که

برای غیر خدا تقدیم می‌گردد در حقیقت شرک است. و گویا عامل آن می‌خواهد بدینوسیله خودش را به آن مخلوق نزدیک کند. پس بردن نام الله در هنگام ذبح بدین جهت است تا بین آنچه که خداوند حلال و آنچه را که حرام کرده، فرق وجود داشته باشد»^(۱).

قسم خوردن به صاحب قبر

امام صادق از امام باقر و ایشان هم از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند که رسول گرامی صلی الله علیه و آله از غذا خوردن در هنگام تکیه دادن نهی فرموده‌اند. چند مورد دیگر از ممنوعات شرعی را بر شمردند که عبارتند از: قسم خوردن به غیر الله منع کردند و فرمودند: کسی که به غیر الله قسم بخورد، در نزد خداوند هیچ ارزشی ندارد^(۲).

شیخ طائفه ابو جعفر طوسی می‌نویسد: قسم صحیح و معتبر در نزد آل محمد صلی الله علیه و آله این است که انسان به ذات الله متعال یا به یکی از اسمای گرامی او قسم بخورد، و هر قسمی که به غیر نام الله متعال یا اسمای گرامی او باشد هیچ اعتباری ندارد. سپس فرمود: جایز نیست که کسی به قرآن، و به پدر و مادرش، و به کعبه، و به پیامبر، و به هیچ یک از ائمه علیهم السلام قسم بخورد، اگر کسی به این چیزها قسم بخورد خطا کار است و قسمش از نظر فقهی اعتبار ندارد^(۳).

البته قول معتبر آن است که قسم به قرآن کریم جایز است زیرا قرآن کلام خداوند است و کلام خداوند، از صفات گرامی اوست.

۱- علل الشرائع ص ۴۸۱ - ۴۸۲، عیون أخبار الرضا ۹۱/۲.

۲- مکارم الأخلاق ص ۴۶۶.

۳- النهایة ص ۵۵۵.

عماد الدین طوسی می‌نویسد: «ولا يجوز اليمين بغير الله»^(۱). «قسم خوردن به غیر خدا جایز نیست».

طواف به دور قبر

از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: ایستاده آب ننوش، و به هیچ قبری طواف نکن، و در آب پاک بول نکن، اگر کسی چنین کرد و ضرری به او رسید از خودش بداند، اگر کسی یک بار این اعمال ناشایست را انجام دهد دیگر عادت می‌کند، مگر اینکه خدا بخواهد که توبه کند و برگردد^(۲).

حر عاملی در کتابش، وسائل الشیعة، بابی آورده است با این عنوان: (باب استحباب الدعاء بالمأثور عند زيارة القبور وعدم الطواف بالقبر)^(۳). «باب مستحب بودن دعای وارده در سنت پیامبر صلى الله عليه وآله در هنگام زیارت قبر و عدم طواف بر قبر».

باب دیگری آورده با این عنوان (باب عدم جواز الطواف بالقبور)^(۴). «بابی درباره‌ی جایز نبودن طواف بر قبرها»

سوگواری و به سر و صورت و سینه زدن

از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: رسول گرامی صلى الله عليه وآله فرمودند: «ضرب المسلم یده علی فخذہ عند المصیبة إحباط لأجره»^(۵). «اینکه مسلمان در هنگام مصیبت و اندوه دستش را بر رانش بکوبد پاداشش ضایع می‌شود».

۱- الوسيلة إلى نيل الفضيلة ص ۴۱۵.

۲- علل الشرائع ص ۲۸۳، وسائل الشیعة ۴۵۰/۱۰.

۳- وسائل الشیعة ۸۸۲/۲.

۴- وسائل الشیعة ۴۵۰/۱.

۵- فروع الکافی ۲۲۴/۳، وسائل الشیعة ۹۱۴/۲.

از طریق جابر بن عبدالله روایت است که فرمود: خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم ما الجزع؟ «بی صبری چیست؟» فرمودند: بدترین بی صبری این است که سر و صدا کنی، فریاد بکشی، ناله کنی، به صورتت بزنی، به سینه ات بکوبی، مویت را بکشی، کسی که نوحه سرایی کند، صبر را ترک کرده است و راه نادرستی را در پیش گرفته است و کسی که صبر کند و انا لله و انا الیه راجعون بخواند و سپاس پروردگار را بجای آورد، به درستی که به تقدیر خدا راضی شده و پاداش او در نزد خداوند محفوظ است. و کسی که چنین نکند باز هم آنچه قضا و قدر الهی باشد، بوقوع می پیوندد، گرچه او ناراضی باشد، در این صورت خداوند اجر و پاداشش را ضایع می کند^(۱).

و از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: سه چیز است که نمی دانم کدامیک به اعتبار جرم و گناه بزرگتر است: کسی که هنگام مصیبت بر رانش می کوبد (که کنایه از بی صبری است اما با کمال تأسف امروز بعضی مردم به سر و سینه می زنند)^(۲).

مخلوط بودن زن و مرد در زیارتگاهها

متأسفانه یکی از بزرگترین مفاسد اخلاقی در مزارها، جمع شدن ارازل و اوباش اعم از زن و مرد است که بسیار مشهور و طبیعی است. در چنین جاهایی با استفاده از فرصت، شیطان تلاش می کند هرچه بیشتر فضا را آلوده کند و به اعتراف خود مسئولین امروز مزارها بیش از هر جای دیگر محل قول و قرار ارازل و اوباش است. بویژه اینکه کلاه شرعی هم به نام ازدواج مؤقت یا صیغه وجود داشته باشد، و جالب اینکه در بعضی زیارتگاهها همین مجاوران عابدنما نقش دلال را به عهده دارند و برای خودشان مشتری جلب می کنند.

۱- فروع کافی ۲۲۲/۳ - ۲۲۳، وسائل الشیعة ۹۱۵/۲.

۲- وسائل الشیعة ۶۷۸/۲.

چند پرسش احتمالی و پاسخ آن

بعضی‌ها که از گنبد و بارگاه‌های مدرن امروز دفاع می‌کنند و به دلائل نامعلومی! آنرا وسیله‌ی نزدیکی بسوی الله می‌دانند، روایات ذکر شده‌ای را که از ائمه‌ اهل بیت علیهم‌السلام نقل کردیم تأویل‌های جور واجور می‌کنند از جمله اینکه:

اول: قبور ائمه و انبیاء علیهم‌السلام از روایات مذکور مستثنی هستند.

پاسخ این است که در روایات مذکور بارها ذکر شده که پیامبران و امامان علیهم‌السلام صراحتاً از بلند کردن قبورشان منع کردند، و حد آن را چهار انگشت تا یک وجب تعیین نمودند، پس با توجه به این صراحت، چگونه می‌توان ادعا کرد که قبور پیامبران و امامان مستثنی است، بلکه قبور این بزرگواران بیش از قبور دیگران مورد نهی قرار گرفته است.

دوم: در بلند کردن قبور پیامبران و امامان و ساختن بنا بر آن مصلحت بزرگی است و آن اینکه قبرهای این بزرگواران همواره باقی خواهد ماند و از محو شدن و گم شدن آن جلوگیری خواهد شد.

پاسخ این است که این بهانه بی‌معنی است. هرگز کسی نمیتواند قطعاً بگوید: که اگر بر روی قبری گنبد و بارگاه ساخته نشد نابود می‌شود، مثلاً قبرهای امام حسن و امام زین العابدین و امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام و غیره، با اینکه بیشتر از حد شرعی بلند نشده‌اند و دهها سال است که گنبد و

ضریح هم ندارند، نه تنها گم نشده، بلکه همواره مسلمانان آنها را زیارت کرده و به آنها سلام می‌فرستند و برایشان دعا می‌کنند.

سوم: هماهنگ بودن مردم بر ساخت قبرهای ائمه علیهم السلام و اینکه چون کسی با آن مخالفت نمی‌کند دلیل جایز بودن آن است.

پاسخ این است که از روایات خود ائمه علیهم السلام روشن می‌شود که اولین بار توسط خود رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام از بلند ساختن قبور جلوگیری شده است، بنابراین موضع مردم در این باره معتبر نیست، اولاً از کجا معلوم که همه مردم به این مزخرفات راضی باشند، اکثریت قاطع مردم مخالف چنین کارهای خلاف شرع و عقل هستند و درصد کمی هم که بر اثر کم سواد و یا بی سواد و موافق به نظر می‌رسند باید دانست که خاموشی آنان به علت ناآگاهی شان است و هرگز دلالت بر رضایت آنان نمی‌کند. چگونه ممکن است مردم به کار ناپسندی راضی شوند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت علیهم السلام از آن نهی کرده‌اند؟ حد اقل می‌توان گفت: که رأی عموم مردم در یک مسئله شرعی که در آن نص صریح وجود دارد معتبر نیست، و قول معتبر، اجماع علماء و اهل حل و عقد از جمله خود ائمه علیهم السلام است که جز نهی صریح چیزی از آنان ثابت نیست.

چهارم: روایاتی که از ائمه علیهم السلام در جلوگیری از ساختن و بلند کردن قبور آمده از روی تقیه بوده است.

پاسخ این است که اولاً: هیچکدام از علماء این روایات را حمل بر تقیه نکرده‌اند، بویژه اینکه بعضی از این روایات به عنوان وصیت از امام برای فرزندان آمده است که ممکن نیست امام فرزندان را به چیزی وصیت کند که خودش به آن معتقد نیست.

دوم اینکه شجاعت و صداقت اهل بیت بویژه ائمه علیهم السلام مانع چنین

احتمال باطلی است، زیرا آنان نیز مانند همه حق پرستان و رهبران و مصلحان تاریخ از اظهار حق هراسی نداشتند و گرنه نمی‌توانستند امام باشند، وانگهی چرا احتمال نمیدهیم که روایات جواز از روی تقیه باشد؟! **پنجم:** روایاتی وجود دارد که ساختن و بلند کردن قبر و گنبد و ضریح را جایز می‌داند پس آن روایات مقدم است.

پاسخ این است که روایات منع و جواز تقریباً مساوی است و بر فرض اگر روایات جواز بیشتر هم باشد اعتباری ندارد، چون دروغ گفتن که کاری ندارد، و دروغ پردازان در طول تاریخ کاری جز ضربه زدن به اسلام، آن هم از کانال دین نداشته‌اند، پس بیشتر بودن روایات هرگز دلیل بر درست بودن آن نیست. سوم اینکه روایات نهی با روایات رسول گرامی صلی الله علیه و آله و با روح قرآن کریم و شریعت محمدی هماهنگی دارد، اما خرافات هیچگونه سازگاری با دین ندارد. چهارم اینکه از نظر عقلی ساختن گنبد و بارگاه و ضریح، مخالف فطرت سلیم انسان است، چون هدف از روی آوردن به دین حنیف ابراهیم صلی الله علیه و آله اعراض و روی گردانی از هر توجهی به غیر الله، روی آوردن بسوی الله است، پس وجود گنبد و بارگاه و ضریح با فلسفه دین سازگار نیست، زیرا که توجه انسان را از خالق و معبود حقیقی به سوی بندگان عاجز بر می‌گرداند، یعنی بر خلاف کاری است که پیامبر و قرآن باید انجام دهند. و آن عبارتست از: برگردان توجّه انسانها به خداوند ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحة: ۵]. «خدایا تنها تو را می‌پرستیم، و تنها از تو کمک می‌خواهیم».

پیام صحابه رضی الله عنهم هم به سرمداران روم و فارس و سایر قدرتها همین بود که ما آمده‌ایم تا بندگان را از پرستش بندگان نجات بخشیم و به پرستش پروردگارشان هدایت کنیم.

«لنخرج العباد من عبادة العباد إلى عبادة رب العباد»^(۱).

و نکته مهمتر اینکه مفاسدی که از ساختن قبرها و گنبدها و بارگاهها و ضریحها پیدا می‌شود خود می‌رساند که وجود این اماکن به نفع اسلام و مسلمین نیست و اعتقاد را تضعیف می‌کند، ایمان را سست می‌کند، باعث پدید آمدن شرک و خرافات می‌گردد، مفاسد اخلاقی را رشد می‌دهد، نصرت و رحمت خداوند را به تأخیر می‌اندازد، به آبرو و حیثیت اسلام لطمه می‌زند، قوت و توانایی مسلمین را به ضعف مبدل می‌کند، غیر مسلمانان را از پذیرش اسلام منصرف می‌کند، و صدها مفاسد دیگری که در نتیجه‌ی وجود گنبدها و بارگاهها، و ضریح‌های بی‌شمار در جامعه‌ی اسلامی بوجود می‌آید.

در پایان باید عرض کنیم که قاعده‌ی: «درء المفسد مقدم علی جلب المصالح» «جلوگیری از مفاسد بر جلب مصالح مقدم است». پس اگر مدافعان گنبد و بارگاه و ضریح استدلال هم داشته باشند استدلال شان در برابر (علاوه از نصوص و احادیثی که ذکر کردیم) مفاسدی که از وجود این اماکن پدید می‌آید سست و بی‌پایه است.

خدایا! جامعه‌ی اسلامی ما را از وجود تمام موانع توحید و اسلام خالص، و دل‌هایمان را از تمام کدورت‌ها و زنگارهایی که چه بسا مانع وحدت امت اسلامی گردیده پاک گردان، و ما را یک امت قوی و توانا بگردان آمین.

۱- البدایة والنهائة لابن کثیر ۶۲۱/۹، چاپ دار هجر، تحقیق عبدالله التركي.